



عنوان:

حرفیت جوانان از دیدگاه امام علی علیه السلام در نهج البلاغه

زهره بزرگ قلندری^۱

^۱ سطح ۲، مدرسه امام هادی علیه السلام

چکیده:

در میان دوره های مختلف عمر انسان، فصل جوانی از اهمیت والائی برخوردار است. زیر بنای شخصیت انسانی در دوره جوانی تکمیل یافته و سرنوشت سعادت‌مند یا شفاوتمند در این دوره رقم می خورد. تنوع مولفه های شکل دهنده هویت و شخصیت جوان و ویژگیهای اعتقادی و رفتاری جوانان و حالات روحی روانی، رفتارهای متمایز از سایر اقشار اجتماعی به آنان می بخشد. این دوره نگرش‌های او به خود و به جهان هستی، با آنچه که در دوره‌های قبلی داشته تفاوت اساسی دارد. بر اساس عقیده ما، راه صحیح((اسلام)) است. و هر کس مسلمان باشد سعادت آخرت را به خوبی شناخته است. گم‌شده حقیقی(جوان) نزد خدا و در عالم ابدی است. پس مطلوب مسلمان(خدا) است.

موفقیت کلمه جادویی است که استفاده های فوق العاده ای دارد.

افراد موفق در هر یک از عرصه های زندگی از نشاط و رضایت خاطر و محبوبیت بیشتری برخوردارند و افراد جامعه با سبک خاصی با آنها رفتار می کنند.

در رابطه با عوامل موفقیت و مفهوم آن مباحث مختلف مطرح است از جمله مباحث اساسی جوانان، عوامل موفقیت در استعداد های جوانان است از این رو مسئله مهم در این مقاله تعیین عوامل تأثیرگذار و موفقیت و بالندگی جوانان در زندگی اجتماعی می باشد.

کلید واژه

جوان لغوی: آنچه که به حد میان عمر خود رسیده باشد.

در اصطلاح: اینکه جوان شخصی که زمان زیادی از عمر آن نگذشته باشد.^۲

موفقیت در لغت: به معنای توفیق و کامیابی و کامروایی است.^۳

در اصطلاح: دستیابی به آرزو و انجام دادن کاری است.

سعادت در لغت: به معنای سعادت و خوش طالعی است.^۴

در اصطلاح: یعنی رسیدن خبری که سبب کمال و لذت می شود.

انسان که از روح و جسم ترکیب یافته، سعادتش به این است که بحث به قوای بدنی و روحی به خیر برسد و

لذت ببرد. در مقابل آن شقاوت است یعنی در آن خیری نباشد.^۵

^۲ - علی اکبر، دهخدا، تهران، موسسه انتشارات و چاپ ۴، دانشگاه تهران ۱۳۷۷ ص ۲۸۰

^۳ - همان

^۴ - همان

^۵ - صدر المتالهین، محمد ابن ابراهیم تفسیر اقرآن الکریم، ج ۲، ص ۱۸۵ انتشارات اشراق، قم، ۱۳۸۰

موفقیت جوانان از دیدگاه امام علی علیه السلام در نهج البلاغه

راهکارهای دستیابی به گزارش امام علی علیه السلام به جوان و جوانان، دو راه پیش رو است:

اول: بازنگری دوران جوانی امیر المومنین علیه السلام.

برای کسی که می‌خواهد علی شناسی را از دریچه نگاه امام علی علیه السلام به جوان آغاز کند، یک راه رسیدن به این هدف جستجو کردن از زیربنای تربیتی خود امام علی علیه السلام و بازنگری و بازسازی دوران جوانی پرشور آن حضرت است.

امام در آغاز راه پیش از هرچیز با این سوال مواجه می‌شویم که زیربنای مکتب تربیتی علو چیست؟ در یک کلام می‌توان گفت: مکتب تربیتی علوی در حقیقت، همان مکتب تربیت نبوی است.

معنای این سخن آن است که نقاط برجسته و مشهور در مکتب تربیتی امیرالمومنین، هم از جنبه نظری و هم از جنبه عملی، همه به دست آورد و برآیند کارهای تربیتی است که پیامبر صلی الله علیه و آله روی وجود امیرالمومنین علیه السلام انجام دادند. خود امیرالمومنین علیه السلام در کلامی بلند، به کمال چنین می‌فرماید: یا کَمیل ان رَسولَ الله (ص) اَرَبه الله ، عَزَّوَجَلَّ و هو اَوْبَنی و انا اَوْدَبُ المومنین و اورتَ الادبُ المَکْرَمین^۱

ای کَمیل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تربیت شده خداوند سبحان است و پرورش و تربیت باید به دست رسول خدا صلی الله علیه و آله صورت گرفت و تربیت معلم را بر عهده من است.

^۱ - محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، چاپ دوم، بیروت، موسسه الوفاء ۱۴۰۳، جلد ۶۹، ص ۶۱۱، روایت ۱۲۹، باب ۳۸

فرایند تربیتی در ارتباط با جوانان و نوجوانان باید سریع و بی درنگ باشد؛ به دلیل آنکه شخصیت جوان و نوجوان هنوز ثبات لازم را پیدا نکرده و آسیب‌پذیری در آن زیاد است.

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

مربی باید پیش دستی کند و در آغاز نمودن فرآیند تربیت سرعت بورزد.

((ای بُنایِ اِنی لما رَایتَنی قَدْ بَلَغْتُ سَنًا، و رایتَنی اَزْدَاد و هُنَا بَادَرْتُ بِصِیَّتِی اِلَیک، و اُورِدْتُ خِصَالَهَا مِنْهَا قَبْلَ اِنْ نَقَصُ فِی رَایِی کَمَا نَقَصْتُ فِی جِسمِی ... اَوْ یُسَبِّحُنِی اِلَیک بَعْضُ غَلَبَاتِ الْهَوَی و فِتَنِ الدُّنْیَا... فَبَادَرْتُ بِالْاَدَبِ قَبْلَ اِنْ یُقَسِّمُوْا قُلُوبَکَ و یُسْتَفْعَلُ لَیْکَ^۱

پسرکم چون دیدم سالیانی را پشت سر نهادم و به سستی در افتاده‌ام بدین وسیله به تو بیشتر سعی کردم خصلت‌هایی را که در آن بر شمردم، از آن پیش که مرگ بشتابد و مرا در یابد و آن چه در اندیشه دارم به تو نگفته باشم.... یا پیش از نصیحت من پاره‌ای از خواهش‌های نفسانی بر تو غالب گردد.

زمانی که احساس کردم توجه نضج و بالندگی لازم تربیتی رسیده‌ای، شروع کردم به اینکه وصیت‌هایم را در اختیار قرار دهم. چرا؟ چون می‌ترسم پیش از آنکه من اقدامی بکنم، آسیب‌ها به سراغ تو بیایند و تو را زمین‌گیر کنند. بنابراین پیش از آنکه فکر و دلت و اندیشه‌ها و گرایش‌های آلاینده گرفتار شود، من زودتر دست به کار شدم.

^۱ — همان، ص ۲۹۷، نامه ۳۱ نهج البلاغه

۸ تقویت روح امید در برابر مشکلات

بحرانها و مشکلات و شهوات به گونه ای تند و براندازنده است ای جوانان را از پای در می آورد و به تسلیم می کشاند. مربی باید به گونه ای برخورد کند که اولاً در فرایند تربیت خود را اولین پناهگاه در برابر متربی نشان بدهد که وقتی با سختی ها و فراز و نشیب ها مواجه می شود، مربی را اولین پناهگاه خود بداند.^۱

در کلام امام علی علیه السلام تصور شده:

((و اعلم ، ان الذی بیده فزائن السموات ولارض اذن لك فى الدعاء و تكفل لك بالاجبه و امرک ان تساله ليعطیک و تسترحه ليرحمک و لم يعجل لك اليه، و لم يمنعك ان اساب من التوبه، ولم يعاجلك بالنقصه^۲

بین چه کریمی است! هیچ پرده ای ندارد، هیچ وساطتی نمی خواهد، در هر گوشه و مقطعی از زندگی به راحتی می توانیم با او در ارتباط باشیم.

هیچ وقت برای بازگشت دیر نیست! نگران نباشید! حتی اگر لغزیدید! باز گردید راه هیچ وقت بسته نیست! همیشه یک پنجره باز است! آغوش رحمت الهی همیشه گشوده است.

۹ مصونیت بخشی جوانان در برابر اندیشه های مخالف

تجهیز جوان به بنیه های شناختی و باورهای اعتقادی به تنهایی کافی نیست بلکه امداد شناختی مربی برای متربی جوان باید دو چندان باشد یعنی در ابتدا بنیه اعتقادی باثبات داشتن و دوم خاکریز زدن برای حفظ این بنیه ها امام علی علیه السلام با ظرافت تمام می فرماید: ((خم اشفقت ان يلتبس عليك ما اختلف الناس فيه من اهوائهم و ارائهم مثل الذی التبس عليهم ، فكان احكام ذلک علی ما کرهت من تنبيهک له احب الی من اسلامک الی امره امن عليك به الهکه و رجوت ان یوفقک الله فيه لرشدک و ان یهدیک لقصدک))^۳ یه دوست

^۱ - همان

^۲ - نهج البلاغه، حکمت ۱۸۱

^۳ - همان، نامه ۳۱، ص ۲۹۸

نداشتم که ذهن تو را با انبوهی از شبهه ها و توهمات اعتقادی، که به ذهن دیگران آمده و از مسیر درست دین وفطرت دور شده اند، مشغول کنم، اما چه چاره که تو به ناچار در مسیر تهاجم و یورش این اطلاعات و شبهات قرار میگیری. بنابراین از خداوند خط هم که راه راست و درست را در قالب این وصیت به تو نماید.

امام علی علیه السلام به مربیان پیشنهاد و توصیه می کنند که بنیان های شناختی ارائه شده به جوانان باید دارای دو ویژگی باشد: هم در آنان بنیه های اعتقادی اولیه را که از تعلیم کتاب خدا و آشنایی با معارف آن شروع میشود، ثبات و استقرار بخشند؛ و هم گرداگرد این بنیه ها خاک ریز زده، آنان را برای مقابله با تهاجمات فکری و اعتقادی که بعدها با آن مواجه می شوند آماده سازند.

پیش از آگاه سازی متربی نسبت به شبهات و گونه های تهاجم و عقیدتی و ایمانی، امام علی علیه السلام می فرمایند: ((و ان ابتدئک بتعلیم کتاب الله عزوجل _ و تاویل و شرائع الاسلام و احکامه و حلاله و حرامه لام لا اجاوز ذلک بک الی غیره))^۱ پیش از هر چیز تو را با معارف نورانی قرآن و تاویل از آشنا ساختم. واژه ((تاویل)) اشاره به لزوم آگاه سازی جوانان از پیچ و خم های معارف قرآنی دو پهلوی یا چند پهلوی دارد که ممکن است وی را در تیررس یورش های فکری و شناختی دگر اندیشان منحرف و آلوده قرار دهد سپس می فرمایند: آنگاه حدود مقررات حلال و حرام الهی را در اختیار قرار دادند اگر برای هدایت و راهنمایی باشد چیزی کارآمدتر و مفید تر از قرآن، معارف قرآنی و شناخت مرزهای حلال و حرام خدا وجود داشت خداوند در ربوبیت تشریعی خود هم آن را معیار قرار می داد: به دنبال این آموزش و آماده سازی، تلاش نمودم تا تو را از لغزش گاه ها و مناطق لرزان و لغزنده اعتقادی، فرهنگی و ارزشی، که در مصاف با سایر فرهنگ ها ممکن است برای پیش آید، آگاهی بخشم. دقت و بازنگری عمیق تر می تواند ما را به نکات و ظرافت های فراوان تربیتی دیگر رهنمون باشد آنچه در بالا گفته آمد مشتی بود از خروار!

^۱ - همان، نامه ۳۱، ص ۲۹۸

نتیجه گیری

جوانان سرمایه های عظیم همه جوامع هستند موفقیت و پیشرفت جوامع با موفقیت جوانانشان گره خورده است. و در اسلام نیز به جوان توجه خاصی شده است.

با توجه به این مطالب متوجه می شویم که حضرت علی علیه السلام در سیره کلامی خود این نکته آشکار بوده. که بخش مهمی از این سیر مربوط به دغدغه امام علی علیه السلام درباره تربیت برتر فرزندان و یاران و دوستان و همه ی کسانی که مسئولیت آنان بر دوش امام وجود دارد که شایسته است به آنها بیشتر پرداخته شود.

منابع

نهج البلاغه ، شهیدی ، جعفر ، ترجمه نهج البلاغه ، انتشارات دارالکتاب ، سال ۱۳۶۸

۱_ علی اکبر، دهخدا، فرهنگ لغت موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران

۲_ محمد ابن ابراهیم ، صدرالمتالهین ، تفسیر القرآن الکریم، جلد ۲ ، انتشارات صدرا ، تهران

۳_ مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، جلد ۷۷

۴_ ابن حدید سرح نهج البلاغه، جلد ۶، باب ۸۶

۵_ مکارم شیرازی ، ناصر ، تفسیر نمونه ، چاپ دوم ، تهران ، انتشارات دارالکتب ۱۳۶۸